

صنعت چرم در برخی کشورها

www.ketab.ir

محمود حادیان کاسکری

صنعت چرم در برخی کشورها

مولف: محمود عابدیان کاسگری

ویراستار: لبابه عابدیان کاسگری

ناشر: موسسه انتشارات دگرانديشان

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۷۷۳-۰۰-۲



www.etab.ir

سرشناسه:

عابدیان کاسگری، محمود، ۱۳۴۰ -

عنوان:

صنعت چرم در برخی کشورها

مشخصات نشر:

تهران: نشر دگرانديشان، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهري:

۶۲ ص.

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۹۸۷۷۳-۰۰-۲

شناسه افزوده:

ویراستار: لبابه عابدیان کاسگری

فهرست عناوین

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۱
تاریخچه چرم	۹
چرم کسوها	۱۳
صنعت چرم در شرق آسیا	۱۵
صنعت چرم در غرب آسیا	۲۱
صنعت چرم در آفریقا	۲۵
صنعت چرم در آمریکای جنوبی	۳۰
صنعت چرم در اروپا	۳۳
بازار چرم	۳۷
منابع	۵۹

پیشگفتار

هزاران سال است که بشر به پیشرفت در مهارت شکار دست یافته و در نتیجه به استفاده از پوست خام جانوران روی آورده است. بنا بر افسانه‌های اساطیری، گیومرث سرسلسله پیشدادیان مبدع شکار است، در داستان‌های اساطیری فلات ایران ابداع استفاده از پوست حیوان به گیومرث نسبت داده شده و فردوسی در شاهنامه آن را آورده است:

سر تخت و بختش بر آمد ز کوه پلنگینه پوشید خود با گروه

ساکنان فلات ایران با راهبری گیومرث در غار زیستند، پوشاکی از پوست حیوانات پوشیدند و از خوراکی که از طبیعت به دست می‌آوردند ارتزاق نمودند. زندگی در کوه^۱، ساخت پوشاک از پوست حیوانات که نشانه پیشرفت در مهارت شکار است^۲، و تهیه و پخت غذا^۳ از جمله ویژگی‌های مهم دوره حکمرانی گیومرث است. حتی زمانی که در عصر پیشدادی، اقتصاد متکی به شکار و گردآوری دانه تحول یافت و به اقتصاد مثنی به پرورش دام و کشت غلات تبدیل شد و شیوه زندگی متحول شد، شکار ترک نشد.

مطالعات اندیشمندان حوزه انسان‌شناسی^۴ نشان می‌دهد اولین شکارهای ساکنان فلات ایران با ساخت ابزار سنگی در عهد پارینه‌سنگی انجام شد و بومیان افزون بر شکار و گردآوری خوراک، با مدیریت منابع غذایی بخشی از غذا را ذخیره می‌کردند. فلاتری^۵ در

گیومرث شد بر جهان کدخدای نخستین به کوه اندرون ساخت جای

«نخستین پادشاه اندر جهان او بود ... با فرزندان خویش به کوه دماوند آمدند و آنجا قرار گرفتند و بسیار شدند ...»

در آنجا شهرها و ملوایها ساخت» (تاریخ بلعی، جلد یکم: ص ۱۱۳؛ بازنویسی از: کریمان، ۱۳۷۵: ص ۵۸).

این اثر نیز در *الکامل فی التاریخ* (جلد یکم، ۱۳۵۷-۱۳۴۸ق: ص ۵۸)، این کوه را دماوند ذکر کرده است.

^۲ «به روایت خیام، در اساطیر ایران گیومرث نخستین سازنده تیر و کمان بود» (سورتیچی، ۱۳۸۹: ص ۳۲).

^۳ از او اندر آمد همی پرورش که پوشیدنی نو بُد و نو خورش

^۴ Anthropology.

^۵ Flannery, Kent Vaughn (born 1934).

محوطه تپه آسیاب در کرمانشاه شواهدی یافته است که سیر صعودی در تنوع گیاهان جمع‌آوری شده و حیوانات شکار شده در عهد پارینه‌سنگی را نشان می‌دهد.^۱ عهد نوسنگی پیش‌ازسفال از تقسیمات عهد نوسنگی دوره ایجاد تغییر در فرایند تولید غذاست که اختراع روش‌های نوین شکار مانند تغییر در ساخت تیر و کمان در آن روی داد و نهایتاً بر سبک زندگی بشر تاثیر شگرفی داشت. پس از پایان دوره باران، 'دوره خشک' آغاز شد و در کنار جمع‌آوری نظام‌مند میوه‌های جنگلی، تغذیه از طریق شکار پایدار نیز صورت گرفته است. در دوره باران حتی دره‌های ژرف در زیر آب قرار داشتند، در دوره‌ای که می‌توان آن را بین ۱۰/۰۰۰ تا ۱۵/۰۰۰ سال پیش از میلاد تخمین زد، تغییر تدریجی آب‌وهوا صورت گرفت. بخش بزرگی از رودخانه‌های یخ، آب شدند، دوره باران به پایان رسید و دوره خشک آغاز شد که هنوز ادامه دارد. در زمانی که قسمت اعظم اروپا از توده‌های یخ پوشیده بود، فلات ایران از دوره باران که طی آن حتی دره‌های مرتفع در زیر آب قرار داشت، می‌گذشت. با گذشت دوره باران، تغییر آب و هوایی موجبات تسهیل حرکت انسان‌های پیش‌تاریخی را فراهم آورد و حفره‌های غارها و دامنه کوهستان‌های رشته‌کوه‌های البرز، و زاگرس به مامن امنی برای زندگی تبدیل شد. مناطق رسوبی واقع در حد فاصل دریاچه‌ها و نواحی مرتفع، به‌صورت جلگه‌ها و دشت‌های مناسبی برای رشد گیاهان و زندگی جانوران درآمدند، آبیان نیز در کرانه‌های ساحلی دریاچه‌ها موجود بودند. در این دوره، چون سایر نواحی جهان زیر یخ یا جنگل انبوه بود، یا به علل دیگر، محیط مساعدی برای گذران زندگی نبود، اکثریت نزدیک به تمام دسته‌های کوچک از نوع بشر که در آن زمان جمعیت جهان را تشکیل می‌داد، به منطقه‌ای بین درجه عرض چهل، و درجه عرض بیست، کوچ کرد که به‌صورت دشت علفزار درآمد و شکار فراوان داشت و موقعیت مناسبی برای حضور انسان شکارگر بود. پس از پایان واپسین دوره

^۱ Flannery, 1973: pp. 2, 271, 310.

یخبندان، فلاتی مرتفع مانند یک آبخاست، سکونگاه مناسبی به شمار می‌آمد. این سرزمین مرتفع که حدود شرقی آن: پنج‌رودخانه (پنجاب) و دو رودخانه سیحون و جیحون، و حدود غربی آن: به دو رودخانه فرات و دجله می‌رسید، و امروز فلات ایران خوانده می‌شود، درست در وسط این منطقه، واقع شده است.^۱ آب دریاچه‌های مرکزی ایران تبخیر شده، و با پسروری آب‌هایی که در اثر سیلاب دامنه کوه‌ها را فراگرفته بودند، مرغزارها و جلگه‌ها پدید آمده به محل مناسبی برای رشد گیاهان متنوع و حضور جانوران مختلف تبدیل شده، انسان‌های کوچنده شکارگر به داخل فلات راهی شدند، زنان به شکار آبزیان و جمع‌آوری گیاهان، و مردان با شکار طعمه‌های بزرگتر به گذران زندگی می‌پرداختند. مشابه این تحول را پس از پایان واپسین دوره یخبندان با اختلافات مختصری در بسیاری از نقاط جهان از جمله در حوزه تبرستان می‌توان یافت. در آغاز دوره خشک پس از آب شدن یخ‌های واپسین دوره یخبندان، دریای مازندران از سوی غرب به دریای سیاه پیوست، در شرق نیز دریای مازندران به کوه‌های افغانستان و فراسوی رود سیحون (سیر دریا) رسید و در شمال، در دو سوی ولگا تا نزدیکی اقیانوس شمال امتداد یافت. پیشرفت بی‌آبی ناشی از دوره خشک در شرایط زیستی ساکنان تبرستان دگرگونی‌های بزرگی ایجاد کرد. کم شدن باران و بلندی سطح دریاچه‌ها به کندی و منظم شدن جریان‌های رودخانه‌ای انجامید و ذخایر رسوبی حاصل از نظم جریان‌های رودخانه‌ای، اراضی وسیعی را در مصب رودخانه‌ها تشکیل داد که بستر مناسبی برای استقرار ساکنان اولیه بود. با پیشرفت دوره خشک و تبدیل دریاچه‌ها و پهنه‌های آبی به چمنزارها، جانوران به مرغزارها فرود آمده و گروه‌های اجتماعی به استقرار در دشت‌ها متمایل شدند. کَوْن معتقد است برخی آثار به‌دست آمده در تبرستان به زمانی مربوط است که پس از پایان 'دوره باران' و شروع 'دوره خشک' یعنی به عهد

^۱ نگه کنید به: عطایی فرد، ۱۳۸۵: صص ۷۱-۷۰.

نوسنگی مربوط است با این تفاوت که کُون آغاز عهد نوسنگی در غارهای هوتو و کمر بند را بسیار کهن‌تر از عهد نوسنگی اروپا می‌داند.^۱ کُون معتقد است ساکنان غار کمر بند در حوزه فرهنگ تبری، زندگی را با شکار آهو، بز کوهی، گوسفند و بز وحشی می‌گذرانده‌اند. برخی آثار به‌دست آمده از غار هوتو که مجاور غار کمر بند قرار دارد به عصرهای فلزات (عصر مس، عصر مفرغ، عصر آهن) متعلق است.^۲ به عقیده کارشناسان رسوبات هولوسن به- دست آمده از پناهگاه صخره‌ای تنگه کیاسر که بر روی دامنه برجستگی‌های پل و تاور در ارتفاع ۱۰۵۰ متری از سطح دریا واقع شده‌اند^۳ نشان می‌دهند رسوبات هولوسن این پناهگاه صخره‌ای در صنعت دست‌افزاسازی این پناهگاه موثر بوده و ساکنان با توجه به شرایط زیست‌محیطی با الگوی شکارورزی ویژه‌ای زندگی می‌کردند. تمدن شمال شرق تبرستان (غارهای هوتو و کمر بند و تپه‌های سنگ‌چخماق) پس از گذر از معبر شمال-جنوب (تمدن حوزه کیاسر) با جنوب شرق و تمدن تپه‌حصار مرتبط می‌شده است. با توجه به نقوشی که ساکنان از شکار حیوانات در هزاره چهارم پیش از میلاد در محوطه‌های تپه-حصار و تپه‌های سنگ‌چخماق در شمال شرق و جنوب شرق تبرستان ثبت کرده‌اند، موید زندگی از طریق شکار است. در محوطه‌های حاشیه بیابان ایران، جدای از نوع محیط متفاوت آنها ساختار اقتصادی عموماً بر مبنای تجارت با سایر مناطق قرار گرفته بود.^۴ وجود محوطه‌های حاشیه بیابان در شمال و جنوب تبرستان موجب شد این سرزمین در ارتباط با مناطق دیگر بتواند مازاد تولید و یا تولید کالای ویژه را عرضه کند و در قبال آن کالا و یا خدمات دریافت نماید. محوطه تپه‌حصار با توجه به موقعیت

^۱ «تاریخ‌های مربوط به نئولیتیک [نوسنگی] این منطقه خیلی قدیمی‌تر از نئولیتیک اروپاست و به عقیده کُون منطقه خزر می‌تواند محلی باشد که نئولیتیک اروپا از آن به‌وجود آمده باشد» (مجتهدی، ۱۳۶۵: ص ۴۷).

^۲ برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: وندتبرگ، ۱۳۴۸: ص ۵-۴.

^۳ در حد فاصل میان دره زرتدین تا نیلا واقع در منطقه هزار جریب.

^۴ نگاه کنید به: خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۵۰.

مناسب خود در حاشیه بیابان در شمال دشت کویر این موقعیت را داشته است که از طریق فرآوری پوست حیوان و صدور آن به سایر محوطه‌های پیش‌تاریخی در حاشیه دشت کویر مانند سیلک و شهرسوخته اقدام نماید. قرار داشتن محوطه‌های حاشیه بیابان در مسیر شاهراه‌های تجاری، از بار منفی محدودیت منابع زیست‌محیطی کاسته و ساکنان ضمن برخورداری از امکان تجارت برای رفع کمبودها و خروج از انزوا، در ارتباط با فرهنگ‌های دیگر قرار گرفته و در پویایی اقتصاد و فرهنگ تبرستان نقش فعالی داشته‌اند. شکل‌گیری تپه‌حصار سر راه مسیری که غرب و شرق فلات ایران را به هم متصل می‌کرد تپه‌حصار را قادر ساخته بود ارتباطات تجاری را به صورت سازمان‌یافته شکل دهد و با برقراری امنیت، حتی نسبت به صدور کالا به میانرودان و سایر مناطق نظیر شوش مبادرت نماید و سبب توسعه و گسترش محوطه تپه‌حصار شود.^۱ تمدن تپه-حصار در عصر مس‌وسنگ (حصار I، ۴۵۰۰ پ.م. تا ۴۱۰۰ پ.م.) ظاهر گردید و در عصر آهن (حصار III) در هزاره دوم پیش از میلاد متروکه شد.^۲ با متروکه شدن تمدن تپه‌حصار، فرآوری پوست حیوان و صدور آن ترک نشد و به سایر حوزه‌های تمدنی انتقال یافت. این محصول طبیعی که تقریباً از ابتدای شکل‌گیری سکونتگاه‌ها با بشریت همراه بوده است، بعدها طی هزاره‌ها و سده‌های متمادی و با پیشرفت بشر به انواع مختلف چرم تبدیل شد. پیشینه تاریخ سه هزار ساله ایرانیان در تولید چرم نشان می‌دهد این صنعت به تبرستان محدود نبوده و در سراسر فلات ایران رونق داشته و در حکمرانی‌های نیاعیلامی و ماد از پوست برای تهیه لباس، کفش و ابزار جنگی استفاده می‌شده است. وجود واژه‌هایی مانند ادیم، کیمخت، ساغری، تیماج، سختیان در زبان فارسی و فراوانی استفاده از واژه‌های مرتبط با وسایل و ابزارهای چرم‌سازی مانند سختک، انگشتیان، مشک و ... در

^۱ نگاه کنید به:

Tosi, 1984: pp. 31-34.

^۲ نگاه کنید به: روستایی (۱۳۸۵)؛ یازنویسی از: خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ ص: ۴۲.

متون کهن نشان‌دهنده استفاده گسترده از چرم در فلات ایران است. در عهد باستان، ساکنان فلات ایران علاوه بر استفاده از چرم در تجهیزات و ابزار نظامی، از چرم برای نگارش نیز استفاده می‌کردند. به نوشته ابن یمن فریومدی، نویسنده قرن هفتم هجری، ایرانیان عهد باستان برای نوشتن، پوست حیواناتی مانند گاو میش و گاو و گوسفند را به کار می‌بستند، ابن یمن به نوشتن فرمان‌های داریوش یکم از پادشاهان سلسله هخامنشی بر روی چرم اشاره کرده است. بنا بر برخی روایات/وستا در ابتدا بر دوازده هزار قطعه پوست گاو نوشته شده بود. پوست‌نوشته‌هایی که در اورامان کردستان یافت شده و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شوند نشان‌دهنده استفاده از پوست برای نگارش در دوره پادشاهی اشکانیان است. دلیل انتخاب چرم برای نگارش قطعاً می‌تواند ترکیب مقاومش باشد که عمر بالایی به آن بخشیده است. تولید انواع پوست در دوران خلافت عباسیان در قلمرو اسلامی رونق داشته است. تجارت چرم و پوست پس از حمله مغول‌ها نیز پر رونق بود، در دوره تیموری چرم برای تولید کتاب و سایر انواع هنرهای دستی استفاده فراوانی داشت. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از مورخان قرن هفتم هجری در کتاب# جامع‌التواریخ (تاریخ مبارک غازانی)، که پس از حمله مغول و به امر غازان‌خان (حک. ۶۹۴ - ۷۰۳ قمری) آغاز و در دوره اولجایتو (حک. ۷۰۳ - ۷۱۶ قمری) به پایان رسید، تجارت چرم و پوست در ایران را پررونق وصف نموده است. اسناد تجاری گواه شهرت برخی شهرها مانند تبریز و شیراز در این دوره است. در دوره قاجار، همدان مرکز مهم تولید نوعی چرم، معروف به "چرم همدانی" بود که از پوست گوسفند تهیه می‌شد. علاوه بر همدان، شهرهای تبریز و اصفهان نیز در تولید و صدور چرم سهم مهمی داشته‌اند. در این دوره صادرات پوست خام و دباغی‌شده به روسیه، عثمانی و هند رونق داشته است. از جمله اقدامات تاریخی امیرکبیر ارسال پوست دباغی‌شده ایران به لندن برای شرکت دولت ممالک محروسه ایران در نمایشگاه لندن بود. به علاوه در این دوره

صادرات پوست و چرم، از اغلب شهرهای ایران به روسیه و عثمانی و هند رونق بسیار داشت، علاوه بر همدان، شهرهای تبریز و اصفهان نیز در تولید و صادرات چرم سهم به سزایی داشتند، اولین کارخانه چرمسازی ایران در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در شهر تبریز بنا شد و پس از آن در همدان، تهران و اصفهان نیز کارخانه‌هایی تأسیس شدند. در سال ۱۳۱۱ خورشیدی نخستین کارخانه مدرن چرمسازی توسط اردشیر یگانگی معروف به ارباب اردشیر در همدان بنیان گذاشته شد. از آن پس صنعت چرمسازی توسعه یافت و از یک کارخانه در سال ۱۳۱۱ خورشیدی به ۲۲ کارخانه در سال ۱۳۲۲ خورشیدی افزایش یافت.